

## واکاوی تحلیلی تعادل ساختاری تمیز در ترجمه فارسی حداد عادل از قرآن کریم (مطالعه مورد پژوهش: سوره‌های اسراء و مریم)

محمد حسن امرایی<sup>۱</sup>: دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی کرمانشاه  
محمد تقی زند و کیلی: استادیار، گروه عربی، دانشگاه سیستان و بلوچستان  
جهانگیر امیری: دانشیار، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی کرمانشاه  
مجید محمدی: استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی کرمانشاه

دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم  
سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۸۵-۱۰۶  
تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۲/۱۸  
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۵/۱۲

### چکیده

ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی یکی از چالش‌انگیزترین بخش‌های ترجمه است که رسالت آن توسعه و ترویج فرهنگ قرآنی و انتقال آموزه‌ها و تعالیم وحیانی است. از اصول و ضرورت‌های اساسی هر ترجمه، علاوه بر انتقال و رساندن پیام و محتوای متن مبدأ [قرآن کریم]، تلاش برای برقراری ساختارهای نحوی-صرفی، معنایی-واژگانی، آوایی و بلاغی و ایجاد تعادل یا تشابه میان ساختارهای متفاوت زبان مبدأ [قرآن کریم] و مقصد [زبان فارسی] است؛ زیرا برخی نقش‌های نحوی زبان عربی در زبان فارسی ساختار مشابه نحوی مشخصی ندارد. از این رو نیازمند برقراری ساختاری معادل یا مشابه در زبان فارسی هستند. این تعادل، به‌ویژه در مورد ترجمه قرآن کریم، اجتناب‌ناپذیر است تا جایی که ترجمه قرآن را علمی‌تر و منطقی‌تر می‌سازد. از مهم‌ترین ساختارهای زبانی که نقشی بنیادین در فرایند ترجمه و تحلیل‌های بین‌زبانی دارد، ساختار نحوی است. «تمیز» از جمله نقش‌های نحوی است که ترجمه آن به سبب فقدان معادل ساختاری در زبان فارسی دقت خاصی می‌طلبد. از همین روی باید بر مبنای مشابه ساختاری -نه معادل ساختاری- در زبان فارسی معادل‌یابی شود. بی‌دقتی در برقراری این پیوند متعادل سبب بروز مشکلات و چالش‌هایی در حوزه ترجمه فارسی تمیز می‌شود. بر همین اساس، این مقاله ترجمه دکتر حداد عادل را مورد مذاقه و اعمال نظر قرار داده که نتایج حاصله حاکی از توفیق این مترجم در دستیابی به معادل‌هایی دقیق و نزدیک‌تر برای تمیز در زبان مقصد بوده است. بررسی‌ها نشان داد که ترجمه ایشان نسبت به بسیاری از ترجمه‌های معاصر موفق‌تر عمل کرده است تا جایی که بیشتر تمیزهای موجود در سوره‌های مریم و اسراء را به‌درستی ترجمه کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** ترجمه قرآن، حداد عادل، زبان‌شناسی، تمیز، تعادل نحوی

تاریخ ترجمه قرآن کریم، شاهد انواع ترجمه‌ها از این کتاب آسمانی بوده است؛ اما با توجه به توسعه ساختارهای زبانی در هر عصری و نیز روند تکاملی واژه‌ها برای بیان مقاصد انسان‌ها، ارائه ترجمه‌ای سلیس و روان از قرآن کریم برای درک و دریافت صحیح مفاهیم آن در هر عصری، امری ضروری است؛ بر همین اساس، دوران شکوه‌مند انقلاب اسلامی ایران، عصر باشکوهی در زمینه ترجمه قرآن کریم است؛ زیرا در این دوره، افراد بسیاری با نگرش‌ها و سبک‌های جدید به برگرداندن متن قرآن کریم به زبان فارسی پرداختند و بسیاری از کاستی‌های ترجمه‌های قرآن کریم در سده‌های گذشته را جبران کردند. این ترجمه‌ها، نه تنها از جهت تعداد و سابقه نگارش بلکه از لحاظ تنوع در روش‌ها و سبک‌های ترجمه در میان سایر زبان‌ها بی‌نظیر است. یکی از این ترجمه‌ها، ترجمه معنایی- مفهومی آقای غلامعلی حدّاد عادل (۱۳۹۴) از قرآن کریم است که در این مقاله از نظر تعادل ساختاری ترجمه «تمییز» به نقد و تحلیل پرداخته می‌شود.

در مطالعه و تحلیل روش‌های ترجمه شایسته است که به پژوهش‌های زبانی و زبان‌شناختی بیشتر توجه شود. اساس و شالوده هر زبانی را ساختارهای آن زبان تشکیل می‌دهد. ساختارهای زبانی را می‌توان به شش نوع تقسیم کرد: ساختار نحوی، ساختار صرفی، ساختار لغوی، ساختار معنایی، ساختار بلاغی و ساختار آوایی. این ساختارها پیکره درونی و یا حتی برونی یک زبان را می‌توانند به نمایش بگذارند و یکی از ضرورت‌های اساسی برای ارائه ترجمه‌ای وفادار و مطلوب ایجاد و یا برقراری «تعادل» میان این ساختارهاست (حسین‌خانی، ۱۳۹۴، ص. ۹۰).

به یقین مبحث تعادل ساختاری زبان مبدأ و زبان مقصد از مهم‌ترین و ارزشمندترین مباحث زبان‌شناسی تطبیقی<sup>۱</sup> است. معنای ساده تعادل در ترجمه را در یک تعبیر ساده می‌توان «همسانی تأثیر متن مبدأ و مقصد بر خوانندگان خود» دانست؛ بدین معنی که متن مقصد از نظر زبانی و ساختاری، تأثیری را بر خواننده خود بگذارد که متن مبدأ همان نوع تأثیر را بر خواننده خود می‌گذارد (قلی‌زاده، ۱۳۸۰، ص. ۱۵). از موارد ایجاد تعادل در ساختارهای زبانی، برقراری تعادل در ساخت‌های نحوی است که بخشی از این ساخت‌های نحوی را اجزاء، عناصر یا حالات نحوی تشکیل می‌دهد.

تفاوت‌های ساختاری زبان‌های عربی و فارسی در حالات نحوی، بیشتر در شاخص‌های نحوی از قبیل تمییز، مبتدا و خبر، مفعول مطلق، حال، تأکید و مفعول به قابل مشاهده‌اند. از این رو ضمن آسیب‌شناسی مشکلات ساختاری حالت‌های نحوی، طبیعی است که برای تحلیل موضوع و ارائه روش‌های ترجمه پیشنهادی از ترجمه‌های مختلف قرآن کریم بهره جست. ما در این مقاله ضمن نقد و بررسی ترجمه حدّاد عادل برای درک بهتر موضوع، ترجمه برخی دیگر از مترجمان معاصر را نیز به صورت گزینشی آورده‌ایم. لازم به ذکر است که هدف این مقاله نقد ترجمه‌های متعدد، از جمله حدّاد عادل، خرمشاهی، فولادوند، بهرام‌پور و دیگران و یا ارزیابی تطبیقی و مقایسه ترجمه حدّاد عادل با دیگر مترجمان از منظر ترجمه تمییز نیست؛ بلکه هدف، تنها شناسایی و معرفی بهتر و دقیق‌تر

مشکلات ساختاری ترجمه «تمییز» از حدّاد عادل است؛ بنابراین بدیهی است که برای شناسایی و ارزیابی ساختاری ترجمه‌ها به‌ویژه ترجمه حدّاد عادل، ناچار از نقد و بررسی ترجمه‌های متعدد و متفاوت به‌صورت گزینشی و استقرایی هستیم.

شایان توجه است غالب نقدهایی که بر ترجمه‌های قرآنی اعمال شده است، بیشتر با رویکردی کلی نگاشته شده و از نقد و ارزیابی نکات جزئی و ساختارهای نحوی، مانند تمییز غفلت ورزیده شده است؛ بنابراین نوشتار مذکور به تعادل ساختاری تمییز در ترجمه حدّاد عادل با دیدی نقادانه و تحلیلی پرداخته است. علت گزینش ترجمه حدّاد عادل نیز فقدان یا اندک بودن نقد و ارزیابی‌هایی است که بر ترجمه ایشان به‌ویژه از منظر تعادل ساختار تمییز صورت گرفته است.

موضوع اساسی مقاله، بررسی تشابه و تعادل ساختاری میان دو زبان (زبان قرآن کریم و زبان فارسی) با محوریت ترجمه فارسی، نقش یا حالت نحوی «تمییز» و ارائه روش‌هایی برای تبدیل یا بازگرداندن ساختارهای زبانی زبان مبدأ به زبان مقصد است. در این پژوهش ابتدا به مطالعه تمییز و مباحث مربوط به آن و معادل ساختاری آن در زبان فارسی پرداخته شده و سپس با ترجمه قرآن حدّاد عادل به‌طور نمونه با سوره‌های مریم (س) و اسراء تطبیق داده شده است و نقاط قوت و برخی کاستی‌های معادل ساختاری «تمییز» در این ترجمه و مترجمانی که به‌صورت موردی و گزینشی در کنار حدّاد عادل ذکر شده‌اند، بیان گردیده است.

## ۲- پیشینه پژوهش

در ارتباط با ترجمه فارسی غلامعلی حدّاد عادل از قرآن کریم تاکنون مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

محمدعلی کوشا (۱۳۹۰ ش) در مقاله‌ای با عنوان معرفی و بررسی ترجمه حدّاد عادل از قرآن ضمن اشاره به برخی نقاط قوت و محسنات و زیبایی‌های این ترجمه، ترک اولی‌هایی نیز برای آن به‌صورت فشرده ذکر کرده است و برخی چالش‌ها و مشکلات ساختاری و محتوایی ترجمه حدّاد عادل را مطرح کرده است.

حسین استاد ولی در مقاله‌ای به نام «نگاهی دیگر به نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم از دکتر غلامعلی حدّاد عادل» (۱۳۹۴ ش) که در دو فصلنامه فرهنگی اجتماعی ترجمان وحی به چاپ رسیده است به نقد و بررسی این ترجمه اقدام کرد که حدّاد عادل برخی از این نقدها را در چاپ جدید خود اعمال و اصلاح کردند.

عبدالرسول الهایی (۱۳۹۰ ش) در مقاله‌ای به نام بررسی ترجمه آیات مشابه در قرآن کریم با توجه به ترجمه غلامعلی حدّاد عادل به نقد محتوایی ناهمگونی ترجمه آیات مشابه در قرآن کریم توسط حدّاد عادل پرداخته است و معتقد است که حدّاد عادل آیات متشابه را به‌صورت یکسان ترجمه نکرده است و در بیشتر موارد ترجمه‌هایی متفاوت ارائه کرده است.

در این جستار با نگاهی گذرا به معرفی ترجمه فارسی حدّاد عادل از قرآن و نقدهای انجام شده بر

روی آن به تحلیل و ارزیابی روش‌های مختلف ترجمه تمییز در زبان مقصد اشاره شده است. سپس وارد موضوع اصلی شده و تمام تمییزهای موجود در دو سوره مریم و اسراء را به تفکیک اقسام آن‌ها استقراء و جمع‌آوری کرده است. این پژوهش ضمن تبیین معادل‌های ساختاری مختلف تمییز در زبان فارسی به مشکلات ترجمه فارسی تمییز و انواع نحوی مختلف آن از حیث میزان تعادل یا تشابه ساختاری ترجمه تمییز با زبان مبدأ با محوریت ترجمه فارسی حدّاد عادل می‌پردازد.

### ۳- معرفی ترجمه دکتر حدّاد عادل و نقدهای آن

قرآن کریم، ترجمه غلامعلی حدّاد عادل با استفاده از شیوه ترجمه وفادار - معنایی در سال ۱۳۹۰ ش در «تهران و مشهد توسط انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰، ۶۰۴ [سیزده]. بدون شابک.» به زیور طبع آراسته شد (کریمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۱). برگردان فارسی این ترجمه به قلم غلامعلی حدّاد عادل، رئیس کنونی فرهنگستان زبان فارسی، انتشار یافته است. متن قرآن با حروف چینی رایانه‌ای (براساس خط عثمان طه) ابداع مرکز چاپ و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران در صفحات سمت راست و ترجمه فارسی آیات در صفحات روبه‌رو قرار گرفته است (همان: ۱۲۱).

مترجم در این اثر، علاوه بر بهره‌گیری از دستاوردها و تجارب بسیاری از مترجمان قدیم و جدید، تلاش کرده تا اصولی را رعایت کند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان: وفاداری به پیام زبان مبدأ و مقصد، شیوایی بیان و استفاده از واژه‌های فارسی روان، پرهیز از زیاده‌نویسی، استفاده کمتر از لغات و اصطلاحات عربی نامأنوس و غیرمتداول در زبان فارسی، عدم دخالت عنصر تفسیر در ترجمه، جز در مواردی محدود، نشر معیار درخور همگان و استواری جملات و رعایت نکات ادبی و گاه ارائه ظرافت‌های بلاغی اشاره کرد. با این حال، این ترجمه کاستی‌هایی هم دارد تا جایی که تاکنون از زوایای مختلفی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نقد و بررسی حسین استادولی، محمدعلی کوشا و عبدالرسول الهایی در دوفصلنامه فرهنگی اجتماعی ترجمان وحی و ... اشاره کرد که هر کدام از جنبه‌ها و زوایای گوناگونی به نقد و بررسی این ترجمه پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، الهایی به نقد و ارزیابی ساختار ترجمه حدّاد از منظر عدم یکسان‌سازی ترجمه آیات متشابه در این ترجمه پرداخته است. محمدعلی کوشا، ضمن اشاره به برخی نقات قوت و زیبایی‌های این ترجمه، برخی مشکلات صرفی - نحوی، واژگانی، بلاغی و فقهی - تفسیری این ترجمه را به‌صورت پراکنده مطرح کرده است. حسین استادولی به نقد و بررسی اشکالات این ترجمه به‌طور استقرائی و گزینشی اقدام کرده که حدّاد عادل برخی از این نقدها را در چاپ جدید ترجمه خویش اعمال و اصلاح کرده است.

### ۴- تحلیل و ارزیابی روش‌های ترجمه تمییز

تمییز و حالت نحوی آن در دانش و فن ترجمه اهمیت فراوان دارد. این حالت نحوی برخلاف ظاهر آن، موجد مشکلاتی کلان در فرایند ترجمه است. ساختار زبانی تمییز دارای خصوصیتی است که

شناخت آن‌ها به یقین موجب ارائه ترجمه‌هایی معقول و مطلوب در فرایند ترجمه این حالت نحوی می‌شود. تمییز از نظر ساختار صرفی نه مشتق (به‌ویژه صفت) است و نه می‌تواند فعل یا جمله (شبه جمله) باشد؛ بلکه عموماً اسمی جامد و نکره است؛ و آنجا که مشتق است با عامل مقدر خود یکجا تمییز محسوب می‌شود (انصاری، بی‌تا، ص. ۴۶۳). تمییز همچنین می‌تواند هم به صورت مفرد و هم به صورت جمع به کار رود؛ مثنی به کار رفتن آن اشکال ندارد، گرچه غیر متداول است (قلی‌زاده، ۱۳۸۰، ص. ۵۶).

تمییز از نظر ساختار معنایی تنها نقش یک متمم معنایی را دارد؛ یعنی در واقع کامل‌کننده معنای یک عنصر نحوی دیگر است و از نظر معنایی عنصری علی‌حده به شمار نمی‌رود. این عنصر معنایی در جواب پرسش‌هایی چون: از چه نظر؟ از چه لحاظ؟ از چه جهت؟ از چه جنبه؟ به‌عنوان چه؟ از چه؟ و جز آن‌ها و نیز برای تفسیر یا رفع ابهام معنایی از یک نص نحوی-معنایی دیگر به کار می‌رود (مقیاسی، ۱۳۹۱، ص. ۴۵۰).

#### ۴-۱- تمییز در لغت و علم نحو

تمییز، مصدر باب تفعیل، ماده میز در لغت به معنای جدا ساختن و کنار گذاشتن بخشی و ترجیح دادن قسمتی بر قسمت‌های دیگر است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۲)؛ و در اصطلاح علم نحو، غالباً اسمی جامد، نکره، منصوب و به معنای «من» بیانیه بوده و در کلام اضافی است که ابهام از میزش برطرف می‌کند (حسن، بی‌تا، ص ۴۱۷). تمییز به مُمِيز، مُبَيِّن یا تَبَيِّن، مُفَسِّر یا تَفْسِير نیز خوانده شده است (ابن یعیش، بی‌تا، ص. ۷۰)؛ زیرا ابهام از آن برطرف می‌کند؛ لذا بدان اسم نیز نامیده شده است (همان) مانند: «أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا: من به مال از تو بیشتر و به افراد از تو نیرومندترم» (الکَهْف/۳۴). گاهی تمییز مجرور به «من» می‌شود «وَكَايِنُ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ: چه بسیار جاندارانی که [نمی‌توانند] روزی خود را حمل [یا ذخیره] کنند، خداست که آن‌ها و شما را روزی می‌دهد» (العنکبوت/۶۰) و گاهی نیز مجرور به اضافه می‌شود، مانند: «فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ: پس در میان آن‌ها هزار سال بماند» (العنکبوت/۱۴) (سیبویه، ۱۹۶۶، صص. ۱۱۷-۱۱۹).

#### ۴-۲- اقسام تمییز در علم نحو

تمییز از نظر ساختار نحوی و نیز بر اساس میزش دو نوع عمده دارد: ۱. تمییز مفرد یا ذات ۲. تمییز جمله یا نسبت (حسن، بی‌تا، ص ۴۱۷). در نوع نخست ابهام کلمه (ذات) و در نوع دوم، ابهام جمله یا نسبت موجود در جمله برطرف می‌شود؛ در واقع عامل تمییز مفرد یا ذات، اسم مبهم و عامل تمییز جمله یا نسبت، فعل یا شبه فعل مبهم است (المبرد، ۱۹۶۳، ص. ۳۲).

#### ۴-۲-۱- تمییز مفرد یا ذات

تمییز مفرد یا ذات، تمییزی است که میزش لفظاً بر عدد یا مقادیر ثلاثه، یعنی: وزن و مساحت دلالت کند (حسن، بی‌تا، ص. ۴۱۷)؛ مانند: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ: پس هر که به اندازه ذره‌ای نیکی کند آنرا می‌بیند» (الزلزله/۷) که تمییز پس از مقدار (ذره) آمده و نیز آیه مبارکه: «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشْرَ كَوْكَبًا: همانا من در خواب یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم» (یوسف/۴) که تمییز پس از



عدد آمده است (حسین خانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۵).

تمییز عدد نیز در دو حالت مشاهده می شود:

#### ۴-۲-۱-۱- تمییز صریح، مانند:

۱. «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا: همانا من در خواب یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم» (یوسف/۴).

۲. «إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً: این برادر من است، او را نودوننه میش است» (ص/۲۳).

#### ۴-۲-۱-۲- غیر صریح، مانند:

۱. «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَا ذَنبَ اللَّهِ: چه بسا گروهی اندك به خواست خدا بر گروهی بسیار غلبه یافته است» (بقره/۲۴۹).

۲. «وَكَايِنٍ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِثْيُونَ كَثِيرٌ: و چه بسا پیامبرانی که خداپرستان بسیاری در کنارشان نبرد کردند» (آل عمران/۱۴۶).

۳. «فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا: و چه بسیار شهرها را که ستمکار بودند هلاکشان کردیم» (الحج/۴۵).

در ترجمه این نوع تمییز، در زبان و ادب فارسی مشکل خاصی وجود نداشته و در جایگاه خودش ترجمه می شود.

#### ۴-۲-۲- تمییز نسبت یا جمله

تمییز نسبت، تمییزی است که از مضمون کلی جمله رفع ابهام می کند و به دو نوع تقسیم می شود:

۱- تمییز محوّل (منقول) که از حالتی غیر از تمییز به تمییز تبدیل شده است؛ یعنی واژه‌ای که اکنون تمییز است پیش از تمییز، نقش دیگری همچون مبتدا، فاعل یا مفعول داشته است؛ مانند: «أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا: من به مال از تو بیشترم» (الکهف/۳۴) که «مَالًا» تمییز جمله یا نسبتی است که قبلاً مبتدا بوده است. به تقدیر معنایی: «مَالِي أَكْثَرُ مِنْكَ» و یا منقول از فاعل است، مانند: «اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْئًا: سرم از پیری سپید گشته است» (مریم/۴) که «الشَّيْبُ» در اصل فاعل بوده است به تقدیر معنایی: «اشْتَعَلَ شَيْبُ الرَّأْسِ» و یا منقول از مفعول به است، مانند: «وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا: و زمین را به صورت چشمه‌هایی شکافتیم» (القمر/۱۲)؛ یعنی: «فَجَّرْنَا عُيُونَ الْأَرْضِ» (ابن عقیل، ۱۳۸۵، ص. ۶۶۶).

۲- تمییز غیر محوّل (غیر منقول) که تمییز نسبتی است که از صورت دیگری تغییر نیافته و منقول از چیز دیگری نیست؛ مانند: «وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا: و خدا برا سرپرستی کافی و برای یآوری بس است» (النساء/۴۵) (همان، ص. ۶۶۶).

#### ۵- عامل تمییز

اگر تمییز ذات مفرد باشد، عامل نصب تمییز همان واژه مبهمی است که تمییز برای رفع ابهام از آن آمده است (شرتونی، ۱۴۲۰، ص ۲۶۰). برای مثال در جمله: جاء عشرون تلميذا، «تلميذا» به وسله «عشرون» منصوب شده است؛ اما در تمییز نسبت، جمله، عامل نصب، فعل یا شبه فعلی است که در آن جمله به کار رفته است، برای نمونه در آیه مبارکه: «أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا. من به مال از تو بیشترم» (الکهف/۳۴). «مَالًا» به وسیله «أَكْثَرُ» که اسم تفضیل و شبه فعل است، منصوب شده است.

## ۶- انواع تمییز در سوره‌های مریم و اسراء به تفکیک اقسام

با بررسی دقیق سوره مبارکه مریم و اسراء به ۲۳ مورد تمییز در انواع مختلف آن دست یافتیم. تعداد تمییزهای سوره مریم ۹ مورد و تعداد تمییزهای موجود در سوره اسراء ۱۴ مورد تشخیص داده شد. از مجموع تعداد تمییزهای هر دو سوره با نظر به تقسیم‌بندی تمییز به دو نوع تمییز مفرد و تمییز جمله، تعداد ۱۹ مورد تمییز جمله و تعداد ۴ مورد تمییز مفرد تفکیک شده است.

## ۷- معادل ساختاری تمییز در زبان فارسی

تمییز جمله در زبان عربی از نقش‌ها و حالت‌هایی است که در زبان فارسی ساختاری معادل و مشابه نحوی دقیقی ندارد؛ زیرا از جمله منصوباتی است که در نتیجه برخورد ایرانیان با عرب‌زبانان در سده چهارم و اوایل سده پنجم وارد زبان فارسی شد و نخستین بار با همان ساختاری که در زبان عربی به کار رفته است، یعنی به صورت اسمی نکره، تنوین دار و در آخر جمله‌ها ذکر می‌شد و به عنوان قید در جمله ایفای نقش می‌کرد. به مرور تنوین قید تمییز برداشته شد و از آنجا که قید در زبان فارسی معادل یک حرف و یک اسم بود، حرف اضافه جای تنوین را گرفت، مانند: «در»، «به»، «از» و «ی» که به معنای «از نظر» و «از حیث» است. عبارت‌های «ازلحاظ»، «از حیث» و «از نظر» ابتدا در زبان فارسی وجود نداشتند، بلکه بعدها تحت تأثیر ترجمه تمییز در عربی به زبان فارسی پدید آمدند. (فرشید ورد، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۸) می‌توان نتیجه گرفت که فارسی‌زبانان همواره تمییز را به صورت متمم قیدی ترجمه کرده‌اند.

اگرچه در ادبیات کهن فارسی معادل تمییز جمله معمولاً متمم یا عبارت متممی (با حرف اضافه «به» و «در») به کار رفته است، چنانکه در این بیت از فردوسی می‌بینیم:  
ز بیژن فزون بود هومان «به‌زور» / هنر عیب گردد چو برگشت هور (فردوسی، ۱۳۹۰، ص. ۴۸۶).

## ۸- در زبان فارسی معاصر این نوع تمییز مجموعاً به سه روش ترجمه شده است:

### ۸-۱- ترجمه بر اساس اصل محول بودن تمییز

در این روش، تمییز بر اساس نقش اصلی فاعل، مفعول، مبتدا که از آن عدول کرده، ترجمه می‌شود. این روش برای ترجمه متون معمولی رسا است؛ اما در ترجمه متون حساس و بلیغی همانند قرآن کریم به دلیل کاهش ارزش بلاغی و نیز مخدوش شدن تعادل بلاغی میان کلام وحی و ترجمه آن، غالباً غیر قابل قبول است.

### ۸-۲- ترجمه بر اساس ترکیب یا در آمیختن ساختار معنایی - نحوی تمییز با عنصر مبهم (تمییز)

در این روش از ترجمه تمییز به رابطه بین تمییز و عنصر مبهم توجه می‌شود و معنای تمییز با حالت نحوی عنصر مبهم ادغام می‌شود. تمییز افعال مدح و ذم و برخی موارد منقول از مبتدا بدین روش ترجمه می‌شود؛ البته در صورتی تمییز منقول به صورت ترکیبی ترجمه می‌شود که عنصر مبهم از کلماتی همانند اشد و اکثر بوده و دارای معنا و مفهوم کمی باشد. مثلاً در جمله: «هُوَ أَكْثَرُ مِنْكَ عَلِمًا»:

او از تو داناتر است» واژه اکثر عنصر مبهم و از نوع شبه فعل بوده و علماً نیز، تمییز و متمم معنایی اکثر است. بر این اساس، ترجمه آیه بدین صورت است: «او داناتر از توست». کلمه داناتر از لحاظ ساختار معنایی مبنی بر ساختار معنایی تمییز علماً و از نظر ساختار نحوی و صرفی مبنی بر ۸ ساختار نحوی جمله‌واره یا عنصر مبهم اکثر است که نقش مسند دارد و از لحاظ صرفی، صفت تفضیلی است (قلی‌زاده، ۱۳۸۰، ص. ۵۸).

### ۸-۳- ترجمه بر اساس نقش تمییز و تفکیک آن از عنصر مبهم

در این روش، تمییز بر اساس نقش اصلی خود ترجمه می‌شود. بر اساس نقش محول آن و یا بر اساس ترکیب معنایی- نحوی آن با عنصر مبهم معنا نمی‌شود. در این سبک ترجمه، از حروف یا عباراتی همانند: از لحاظ، از نظر، از جهت، به، به‌عنوان، در، از، از جنبه، به‌لحاظ و... استفاده می‌کنند. اصل در ترجمه تمییز جمله، استفاده از این سبک است و بهتر است گام نخست در ترجمه تمییز، همین روش باشد؛ زیرا از مشهورترین شیوه‌های ترجمه تمییز است (مقیاسی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۷).

### ۹- بررسی مشکلات ترجمه تمییز و اقسام آن

در کتاب‌های نحوی، تمییز به دو نوع تمییز جمله و تمییز مفرد تقسیم شده است. تمییز جمله خود به دو نوع تمییز محول یا منقول و تمییز غیر محول یا غیر منقول تقسیم می‌شود. کما اینکه تمییز مفرد عددی نیز، به دو نوع صریح و غیر صریح کنائی قابل تقسیم است. به هر حال، در ترجمه ساختار تمییز و بررسی مشکلات مربوط بدان، آنچه در درجه اول حائز اهمیت است، مربوط به تمییز جمله است؛ زیرا در ترجمه تمییز مفرد معمولاً مشکلی رخ نمی‌دهد. با این حال، مشکلات نحوی ترجمه تمییز را در دو بخش تمییز جمله و تمییز مفرد مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### ۹-۱- تمییز جمله

#### ۹-۱-۱- تمییز نسبت منقول (محول) و ترجمه آن

این نوع تمییز در زبان فارسی معادلی دقیق و یا مشابهی ساختاری ندارد (معروف، ۱۳۸۰، ص. ۱۳۵)؛ لذا در برگردان آن به فارسی توسط مترجمان سلیقه‌ای ترجمه می‌شود (همان، ۱۳۵) و نقدهایی که بر ترجمه‌های آیات تمییزدار از جانب منتقدان ارائه می‌شود نیز به همان دلیل است که معادل و مشابهی ساختاری در زبان فارسی ندارند. در این مقاله، با توجه به آنچه در باب ترجمه تمییز و برابری معادل یا مشابه این ساختار نحوی در زبان فارسی سابقاً بیان گردید، آیاتی از سوره‌های مریم و اسراء، با محوریت آسیب‌شناسی و نقد ساختار نحوی ترجمه تمییز، ضمن مقایسه با برخی ترجمه‌های معاصر به صورت گزینشی، صرفاً به جهت دست‌یابی بهتر و کامل‌تر به نقاط قوت و ضعف ترجمه حداد عادل به بوته نقد و تحلیل گذارده می‌شود:

#### ۹-۱-۱-۱- «وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا» (مریم/۴)

شَيْبًا اسم منصوب، تمییز جمله برای فعل ماضی (اشْتَعَلَ) ترجمه حداد عادل: و آتش پیری در سر شعله کشیده.



ترجمه خرمشاهی: برف پیری بر سرم نشسته است.  
ترجمه مکارم شیرازی: شعله پیری تمام سرم را فرا گرفته.  
ترجمه پیشنهادی، ترجمه خرمشاهی است: برف پیری بر سر نشسته است.

### ۹-۱-۱-۲- نقد و ارزیابی

با توجه به اینکه عامل مبهم اَشْتَعَلَ از عناصر فعلی و کیفی است؛ بنابراین ترجمه این جمله می‌بایست بر اساس شیوه ترجمه معنایی انجام پذیرد و تمییز شیئا از عامل مبهم اَشْتَعَلَ جدا ترجمه شود تا جمله دارای تعادل نحوی-معنایی و بلاغی با متن مبدأ شود؛ اما اگر بخواهیم این جمله را به روش تحت‌اللفظی ترجمه کنیم چنین ترجمه‌ای به دست خواهد آمد: سر، شعله‌ور شد از حیث پیری؛ و در زبان فارسی چنین ساختاری معادل و مشابهی ندارد؛ از این رو، جمله مذکور را غالباً نمی‌توان بنابر اصل تفکیک عنصر تمییز از عامل مبهم، ترجمه کرد.

به نظر می‌رسد در تمامی ترجمه‌ها، تمییز شیئا بر اساس اصل محول بودن نقش تمییز به صورت فاعلی ترجمه شده است. هر چند نوع جمله‌های متن مبدأ و مقصد باهم تعادل بلاغی-نحوی ندارند؛ اما حداد عادل نسبت به دیگر مترجمان در انتقال معنای تمییز به زبان مقصد ضعیف‌تر عمل کرده است. حداد عادل، دارای رویکرد حرفی و تحت‌اللفظی بوده و از معادل‌های معنایی استفاده نکرده است؛ اما ملاحظه می‌شود که در ترجمه خرمشاهی معادل کنایی رایج در زبان مقصد آورده شده که رساتر است. در ثانی: در ترجمه مکارم، تعبیر شعله با کلمه «اَشْتَعَلَ» سازگاری بیشتری دارد که در ترجمه حداد، آتش... چنین تطابقی دیده نمی‌شود. باین حال، در ترجمه خرمشاهی و مکارم شیرازی، ضمیر «م» در «سرم» معادلی در متن مبدأ ندارد و از اضافات مترجمان محترم است. این کاستی در ترجمه حداد عادل دیده نمی‌شود که ناشی از دقت و وفاداری ایشان به زبان مبدأ است.

### ۹-۱-۱-۳- «كَلِمًا خَبِتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا» (اسراء/۹۷)

سَعِيرًا تمییز جمله و منصوب، بر طرف کننده ابهام از فعل ماضی زِدْنَاهُمْ  
ترجمه حداد عادل: هر دم آتشش فرو نشیند، شعله‌اش را افزون‌تر خواهیم ساخت.  
ترجمه فولادوند: هر بار که آتش آن فرو نشیند، شراره‌ای تازه [تازه] برایشان می‌افزاییم.  
ترجمه بهرام‌پور: هر دم آتش آن فرو نشیند، شراره‌ای تازه برایشان می‌افزاییم.  
ترجمه پیشنهادی: هر دم که آتش آن‌ها فرو نشیند، بر شعله‌ور شدن آن‌ها بی‌افزاییم.

### ۹-۱-۱-۴- نقد و ارزیابی

ترجمه دوم و سوم، بر اساس اصل محول بودن نقش تمییز از مفعول به ترجمه شده‌اند، بنابراین هر دو ترجمه فاقد تعادل بلاغی-نحوی هستند. عدم توجه به نقش بلاغی-نحوی مفعول به (هم)، ترجمه تمییز در نقش مفعول به را فاقد تعادل نحوی-بلاغی ساخته است. در این گونه جملات به دلیل این که بین عامل مبهم و تمییز، تفاوت فعلی وجود دارد هرگز نمی‌توان آن‌ها را بنابر اصل تفکیک نقش تمییز از عامل فعلی ترجمه کرد. از آنجا که در این گونه جملات، ترجمه بر اساس تفکیک یا ادغام نحوی-معنایی عامل مبهم و تمییز وجود ندارد به ناچار باید در این موارد، واحد ترجمه را اصل

جمله در نظر بگیریم و بر اساس آن، کلی جمله را به یک ساختار مطابق با تعادل معنایی- بلاغی ترجمه نماییم. درست همان گونه که حداد عادل ترجمه کرده است. در این گونه موارد، بهتر است تعداد و نوع جمله‌ها در زبان مبدأ و مقصد تعادل داشته باشد. البته، ترجمه نخست بسیار شبیه به نوع ترجمه نقش تمییز با تفکیک عامل مبهم است. تنها تفاوتش در این است که تمییز را در جایگاه مفعول به استعمال کرده است.

### ۹-۱-۱-۵- «وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا» (اسراء/۱۰۹)

خُشُوعًا اسم منصوب، تمییز جمله برای فعل مضارع يَزِيدُهُمْ ترجمه حداد عادل: و فروتنی‌شان افزون‌تر می‌گردد.

ترجمه بهرام‌پور: و خشوعشان افزون شود.

ترجمه مکارم شیرازی: و (تلاوت این آیات، همواره) بر خشوعشان می‌افزاید.

### ۹-۱-۱-۶- نقد و ارزیابی

در جمله نخست، ترجمه بر اساس تفکیک نقش تمییز خُشُوعًا از عنصر مبهم یزید موجب خدشه در فصاحت کلام و معنا خواهد شد؛ بنابراین، حداد عادل، کلی جمله را محور ترجمه خود قرار داده و واحد ترجمه را تمام جمله در نظر گرفته است؛ آن را به یک ساختار مطابق با تعادل معنایی- بلاغی ترجمه کرده است. بهرام‌پور تمییز را بر اساس اصل محول بودن نقش تمییز از فاعل ترجمه کرده که فاقد تعادل بلاغی- نحوی است؛ زیرا بلاغت جمله و تمییز بودن خُشُوعًا به دقت مورد عنایت قرار نگرفته است. اما ترجمه مکارم شیرازی، با واحد ترجمه جمله و مبتنی بر ساختارهای معنایی، نحوی و بلاغی هر دو زبان مبدأ و مقصد صورت یافته است و از نوع ترجمه‌های معادل است.

### ۹-۱-۱-۷- «وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا» (اسراء/۳۷)

طُولًا اسم منصوب، تمییز جمله برای فعل مضارع لَنْ تَبْلُغَ ترجمه حداد عادل: و نه در بلندی به کوه‌ها توانی رسید.

ترجمه مکارم شیرازی: و طول قامتت هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد.

ترجمه خرم‌دل: و (با گردن کشیدن جبارانه‌ات بر آسمان) نمی‌توانی به بلندای کوه‌ها برسی.

ترجمه پیشنهادی، شبیه ترجمه حداد عادل است: هرگز در بلندی به کوه‌ها نخواهی رسید.

### ۹-۱-۱-۸- نقد و ارزیابی

ترجمه نخست به دلیل فعل بودن و کیفی بودن معنای عنصر مبهم، یعنی «لَنْ تَبْلُغَ» بر اساس تفکیک نقش تمییز از عنصر مبهم بنا شده است. استفاده از این روش برای ترجمه، سبب شده تا ترجمه حداد عادل دقیقاً دارای تعادل یا تشابه نحوی، معنایی و بلاغی در زبان مقصد باشد. در ترجمه دوم، تمییز واژه «طُولًا» بر اساس اصل محول بودن نقش تمییز، در نقش فاعلی ترجمه شده است. از این رو، این ترجمه فاقد تعادل بلاغی- نحوی است. در ترجمه سوم، تمییز در نقش منصوب به نزع خافض ترجمه شده که این گونه جملات نیز فاقد تعادل معنایی- نحوی هستند. گفتنی است، تمییز و عنصر مبهم (= جمله‌واره) یک مورد هستند و یک معنا در دو حالت نحوی؛ اما منصوب به نزع خافض،

خود نقش و معنا و مصداقی مستقل دارد. میان جمله «به بلندی نمی‌رسی» و جمله «نمی‌رسی از نظر بلندی» فرق است چنان‌که ملاحظه می‌شود در معنای نخست، «بلندی» وجودی مستقل (منصوب به نزاع خافض) است؛ اما در معنای دوم، هر چه هست همان «الن تبلیغ» است و «طولاً» تنها جهت معنای «الن تبلیغ» را مشخص کرده است.

#### ۹-۱-۱-۹- «أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا» (مریم/ ۶۹)

عتیاً اسم منصوب، تمییز جمله برای عامل مبهم أَشَدُّ ترجمه حداد عادل: آن را که در برابر خدای رحمان سرکش تر است. ترجمه خرمشاهی: هر کدام را که در برابر خدای رحمان سرکش ترند. الهی قمشه‌ای: سپس هر که عتوّ و سرکشی بر فرمان خدای مهربان بیشتر کرده. ترجمه پیشنهادی: کدام یک از آنان در برابر خدای رحمان سرکش تر است؟

#### ۹-۱-۱-۱۰- نقد و ارزیابی

ترجمه اول و دوم بر اساس ادغام معنایی- نحوی تمییز با عنصر مبهم بنا شده است. تا جایی که مترجم آن را به صورت صفت مرکب (سرکش تر) ترجمه کرده و بدین وسیله ترجمه‌ای متعادل‌تر و فصیح‌تر ارائه کرده است. قابل ذکر است که این نوع از ترجمه به سبب دستیابی به تعادل معنایی، نحوی و بلاغی، ترجمه‌ای مقبول و پسندیده است. اما در مورد ترجمه سوم به دلیل عدم دقت در برابری ساختار معادل‌ها و عناصر نحوی به‌ویژه تمییز که به روش آزاد صورت گرفته است، ترجمه‌ای غیر بلیغ و فاقد تعادل نحوی- معنایی است. مترجم محترم، تمییز «عِتِيًّا» را در برگردان فارسی به درستی ترجمه نکرده و بیشتر به نظر می‌رسد که مفعول به و یا جزئی از فعل مرکب «عتوّ و سرکشی کردن» است.

#### ۹-۱-۱-۱۱- «فَكَلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا» (مریم/ ۲۶)

«عَيْنًا» اسم منصوب، تمییز جمله برای فعل امر «قَرِّي» ترجمه حداد عادل: اینک بخور و بیاشام و چشم روشن دار. ترجمه فولادوند: و بخور و بنوش و دیده روشن دار. ترجمه آیتی: پس ای زن، بخور و بیاشام و شادمان باش. ترجمه پیشنهادی: پس بخور و بیاشام و دیده روشن دار؛ یا شادمان باش.

#### ۹-۱-۱-۱۲- نقد و ارزیابی

معادل «قَرِّي عَيْنًا» در زبان پارسی، عبارات و اصطلاحاتی نظیر دیده روشن دار و یا شادمان و خوشحال باش است. مترجم محترم، به شیوه‌ای بسیار ماهرانه، این اصطلاح را بر اساس روش ادغام تمییز و عنصر مبهم «قَرِّي»، به صورت یک کل معنایی در نظر گرفته و آن را «دیده روشن دار» ترجمه کرده‌اند که بهترین و کوتاه‌ترین معادل برای ترجمه آیه است؛ بنابراین ترجمه حداد عادل را می‌توان وفادار و معادل با ساختار زبان مبدأ دانست (امرای و معروف، ۱۳۹۴، ص. ۵)؛ چرا که اگر اصطلاح قَرِّي عَيْنًا بر اساس تفکیک معنایی- نحوی عنصر تمییز با عامل مبهم ترجمه می‌شد، تقریباً معادلی

شبيه: «روشن دار از نظر چشم» در ترجمه حاصل می‌شد و معنای فصیحی به دست نمی‌آمد. بر همین اساس گفته می‌شود اصطلاحات کنایی، استعاری و ... را نمی‌توان به شیوه تحت‌اللفظی و خالی از اشکال ترجمه کرد و همان است که سبب گردیده تا مترجم محترم همانند غالب مترجمان دیگر، این اصطلاح را ترجمه کند.

### ۹-۱-۱-۱۳- «أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا» (مریم/۷۳)

مَقَامًا اسم منصوب، تمییز جمله برای شبه فعل خَيْرٌ و نَدِيًّا اسم منصوب، تمییز جمله برای عامل نَدِيًّا ترجمه حداد عادل: ما دو گروه کدام یک به مقام برتر و به محفل و مجلس، خوش تر است. ترجمه فولادوند: کدام یک از [ما] دو گروه جایگاهش بهتر و محفلش آراسته تر است؟ ترجمه بهرام پور: کدام یک از ما دو گروه جایگاهش بهتر و محفلش نیکوتر است. ترجمه پیشنه‌ادی: کدام یک از ما دو گروه، از لحاظ مقام، برتر و از حیث محفل و مجلس، خوش تر است؟ و یا کدام یک از ما دو گروه، خوش جایگاه تر و نیکو منزل ترند؟

### ۹-۱-۱-۱۴- نقد و ارزیابی

در ترجمه نخست، حداد عادل، تمییزهای مَقَامًا و نَدِيًّا را در نقش منصوب به نزع خافض ترجمه کرده است و تمییز نیست؛ لذا فاقد تعادل معنایی- نحوی (تفکیک تمییز از عامل مبهم) هستند. ترجمه دوم و سوم نیز، اگرچه به راحتی ترجمه تمییز را به زبان مقصد منتقل کرده‌اند؛ اما چون بر اساس اصل محول بودن نقش تمییز نباشده‌اند؛ لذا فاقد تعادل بلاغی- نحوی با زبان مبدأ هستند. در این دو ترجمه، نقش بلاغی- نحوی مبتدا (أَيُّ) مغفول مانده و تعادل نحوی- بلاغی به درستی برقرار نشده است.

### ۹-۱-۱-۱۵- «هُمْ أَحْسَنُ أَثَانًا وَرِيًّا» (مریم/۷۴)

نخست اسم منصوب، تمییز جمله برای شبه فعل أَحْسَنُ و رِيًّا اسم منصوب، تمییز جمله برای شبه فعل محذوف به قرینه لفظی (أَحْسَنُ) (عکبری، بی‌تا، ج ۱، ص. ۲۵۴) ترجمه حداد عادل: چه بسیار مردم را که سازو برگ و هیئت زیبایشان (از آن‌ها) بهتر بوده ... ترجمه بهرام پور: هم سازو برگی بهتر و هم منظری نیکوتر داشتند. ترجمه خرمشاهی: نسل‌هایی را که خوش ساز و برگ تر و خوش نما تر بودند. ترجمه بهتر، همان ترجمه خرمشاهی است: نسل‌هایی را که خوش ساز و برگ تر و خوش نما تر بودند.

### ۹-۱-۱-۱۶- نقد و ارزیابی

ترجمه نخست و دوم، بر اساس اصل محول بودن نقش تمییز نباشده و لذا فاقد تعادل بلاغی- نحوی است. ضمن اینکه استفاده از ترکیب «چه بسیار» در ترجمه حداد عادل، معادل (کم) خبری بوده و در متن مبدأ معادلی ندارد. اما ترجمه سوم که بر اساس ادغام معنایی- نحوی تمییز با عنصر مبهم نباشده است، تمییز را به صورت صفت‌های مرکب (خوش ساز و برگ تر) و نیز خوش نما تر ترجمه کرده است که بدین وسیله توانسته است ترجمه‌هایی متعادل تر و فصیح تر ارائه کند.

### ۹-۱-۱-۱۷- «خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا» (مریم/۷۶)

ثَوَابًا تمییز جمله و منصوب برای عامل شبه فعل خَيْرٌ و مَرَدًّا تمییز جمله و منصوب برای شبه فعل خَيْرٌ

ترجمه حداد عادل: و کارهای نیک ماندگار نزد پروردگارت پاداشی بهتر و فرجامی خوش تر دارد.  
ترجمه خرمشاهی: و کارهای ماندگار شایسته در نزد پروردگارت خوش پاداش تر و خوش عاقبت تر است.  
ترجمه بهرام پور: و نیکی‌های ماندگار در پیشگاه پروردگارت از نظر پاداش و عاقبت بهتر است.  
ترجمه بهرام پور بهتر است: و نیکی‌های ماندگار در پیشگاه پروردگارت از نظر پاداش و عاقبت بهتر است.

#### ۹-۱-۱-۱۸- نقد و ارزیابی

ترجمه نخست، بر اساس اصل محوّل بودن نقش تمییز از مبتدا بنا شده است؛ اما عامل تمییز از عناصر کیفی و فعلی است؛ براین اساس این ترجمه فاقد تعادل بلاغی - نحوی است. ترجمه دوم نیز، بر اساس ادغام معنایی - نحوی تمییز با عنصر مبهم بنا شده تا جایی که مترجم آن را به صورت صفت مرکب (خوش ساز و برگ‌تر) و خوش‌نما تر ترجمه کرده است و بدین وسیله توانسته است ترجمه‌ای متعادل تر و فصیح‌تر ارائه کند. در ترجمه سوم نیز که بر اساس تفکیک نقش معنایی - نحوی تمییز و عنصر مبهم، بنا شده است، به دلیل کیفی بودن معنای عناصر مبهم (خیر) چنان که قبلاً هم بیان گردید، همین روش مناسب تر است.

#### ۹-۱-۱-۱۹- «مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَعُفُ جُنْدًا» (مریم/۷۵)

مَكَانًا تمییز جمله و منصوب برای شبه فعل شَرٌّ و جُنْدًا تمییز جمله و منصوب برای شبه فعل أَضَعُفُ  
ترجمه حداد عادل: آنکه جایگاهش بدتر و لشگرش ناتوان تر است.  
ترجمه فولادوند: جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان تر است.  
ترجمه خرمشاهی: چه کسی بدمرتبه تر و سست‌نیرو تر است.  
ترجمه پیشنهادی: چه کسی در جایگاه بدتر و (در نیرو) و سپاه ناتوان تر است.

#### ۹-۱-۱-۲۰- نقد و ارزیابی

دو ترجمه نخست به دلیل عدم دقت و توجه به ساختار عناصر نحوی کلام به‌ویژه تمییز (مَكَانًا و جُنْدًا) که منقول از مبتدا هستند، ترجمه‌ها فاقد تعادل نحوی و معنایی است. در هر دو ترجمه جای تمییز با مبتدا عوض شده و تمییز در ترجمه نقش نحوی مسندالیه دارد و عامل مبهم نیز به مسند تبدیل شده است؛ لذا هر دو ترجمه، تعادل نحوی و تعادل معنایی ندارند. ضمناً عدم دقت لازم از جانب حداد عادل، سبب شده تا جمله ترجمه مناسب نداشته باشد و حالت خبری بگیرد، در حالی که «من» استفهامیه و جمله سؤالی است؛ اما خرمشاهی، عنصر تمییز را با عوامل مبهم ترکیب و ادغام معنایی - نحوی کرده و به صورت صفت‌های مرکب (سست نیروتر) ترجمه کرده که ترجمه‌ای پسندیده و مقبول همگان است.

#### ۹-۱-۱-۲۱- «وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (اسراء/۶)

نَفِيرًا تمییز جمله و منصوب برای شبه فعل أَكْثَرَ  
ترجمه حداد عادل: و پر شمارترتان می‌گردانیم.  
ترجمه خرمشاهی: و نفرات شما را افزون تر ساختیم.  
ترجمه بهرام پور: و تعداد نفرات شما را بیشتر کنیم.

### ۹-۱-۱-۲۲- نقد و ارزیابی

خرمشاهی برخلاف مورد قبل که از حدّاد عادل، بهرام‌پور و فولادوند بهتر ترجمه کرده بود، در اینجا برعکس عمل کرده و تمییز را در نقش مبتدا ترجمه کرده‌اند که فاقد تعادل نحوی و بلاغی است. بهرام‌پور نیز همانند خرمشاهی تمییز را به صورت مبتدا ترجمه کرده؛ اما حدّاد عادل، تمییز (تَفِيراً) را با عامل مبهم «أَكْثَرُ» که اتفاقاً از عواملی است که دارای مفهوم کمی است، ادغام کرده و به صورت صفت‌های مرکب (سست‌نیروتر) ترجمه کرده‌اند که ترجمه‌ای معادل و پسندیده است؛ بنابراین، ترجمه دقیق‌تر و بهتر در این آیه شریفه، همان ترجمه حدّاد عادل است.

### ۹-۱-۱-۲۳- «ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (اسراء/۳۵).

تَأْوِيلًا تمییز جمله و منصوب برای شبه فعل أَحْسَنُ

ترجمه حدّاد عادل: که چنین کاری بهتر است و خوش فرجام‌تر.

ترجمه فولادوند: این بهتر و خوش فرجام‌تر است.

ترجمه خرمشاهی: که این بهتر و نیک انجام‌تر است.

### ۹-۱-۱-۲۴- نقد و ارزیابی

در هر سه ترجمه، عنصر تمییز و عامل مبهم باهم ادغام گردیده و تعادل نحوی - معنایی در آن مراعات شده است. از این رو، روش مناسب ترجمه این ساختار، همان ترکیب و ادغام معنایی - نحوی تمییز با عنصر مبهم است؛ یعنی به این صورت که معنای «تَأْوِيلًا» با ساختار صرفی عنصر مبهم «أَحْسَنُ» که صفت تفضیلی است ادغام شده، در نقش خبر برای مبتدا که ضمیری مستتر است و به «ذَلِكَ» برمی‌گردد. ترجمه پیشنهادی، به هر سه مترجم، به‌ویژه ترجمه حدّاد عادل نزدیک است.

### ۹-۱-۱-۲۵- «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (الاسراء/۳۲).

سَبِيلًا: منصوب، تمییز جمله یا نسبت برای عامل فعلی: «سَاءَ» (فعل ذم).

ترجمه حدّاد عادل: و به زنا نزدیک نشوید که کاری زشت و راهی ناپسند است.

ترجمه بهرام‌پور: و به زنا نزدیک مشوید به درستی که آن فحشا و راهی بد است.

ترجمه مکارم شیرازی: و نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و بدراهی است.

ترجمه پیشنهادی: و به زنا نزدیک مشوید، به درستی که آن کاری زشت و بدراهی است.

### ۹-۱-۱-۲۶- نقد و ارزیابی

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، بهترین روش برای ترجمه تمییزهایی که منصوب به عامل مبهم از قبیل افعال مدح و ذم: (سَاءَ، بئس، نعم، حَبْدًا و لَا حَبْدًا و ...) هستند، همان روش ادغام یا ترکیب معنایی - نحوی تمییز و عنصر مبهم است.

زیرا تقریباً هیچ ساختار دیگری برقرار سازنده تعادل نحوی و معنایی میان ساختار این الفاظ مبهم و ترجمه آن‌ها نیست. برای ترجمه این ساختار نحوی عربی، می‌توان تمییز «سَبِيلًا» را با عنصر مبهم «سَاءَ» (= بد است) در هم آمیخت و به معادلی ترکیبی که در ترجمه پیشنهادی نگارنده می‌آید، دست یافت.

### ۹-۱-۱-۲۷- « فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا » (اسراء/۷۲)

«سَبِيلًا»: منصوب، تمییز جمله یا نسبت برای عامل فعلی: «أَضَلُّ» و «قَلْبًا» محذوف، تمییز جمله و منصوب برای عامل مبهم: «أَعْمَى» (در ویش، ۱۴۱۵، ص. ۴۷۶).  
ترجمه حداد عادل: در آخرت نیز کور خواهد بود و گمراه‌تر.  
ترجمه مکارم شیرازی: در آخرت نیز نابینا و گمراه‌تر است.  
ترجمه بهرام‌پور: در آخرت هم کور و گمراه‌تر خواهد بود.  
ترجمه پیشنهادی: در آخرت هم، کور (دل) تر و درراه، گمراه‌تر خواهد بود.

### ۹-۱-۱-۲۸- نقد و ارزیابی

در هر سه ترجمه، مترجمان محترم تمییز «سَبِيلًا» را با عنصر مبهم «أَضَلُّ» ترکیب کرده و از آن صفتی مفعولی صورت داده‌اند؛ و به دلیل رعایت بلاغت، معنا و محتوای متن آیه دارای تعادل ترجمه‌ای هستند؛ اما در تمام ترجمه‌ها، اولاً تمییز ترجمه نشده؛ زیرا «أَضَلُّ» خود بر «گمراه‌تر» دلالت دارد. همان‌طوری که بلاغت معنایی «أَعْمَى» و تمییز محذوفش به قرینه لفظی نیز مفعول مانده و به جای آن از صفت ساده «کور و نابینا» استفاده کرده‌اند.

قابل ذکر است که بنابر تأویل نحویان بصره که این تعبیر را به (أَشَدَّ عَمَى) یعنی کورتر و نابیناتر تأویل کرده‌اند به نظر می‌رسد که غالب مترجمان با استعمال صفت ساده برای این تعبیر در ترجمه آن لغزیده‌اند.

البته سیاق آیه نیز با دانشمندان نحوی بصره موافق است؛ زیرا می‌خواهد بگوید: کوری آخرت بسی شدیدتر از کوری دنیا خواهد بود. در میان مترجمان، معزی بهتر این آیه مبارکه را ترجمه کرده است (در آخرت کورتر و گمراه‌تر در راه).

### ۹-۱-۱-۲۹- « فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا » (اسراء/۸۴)

«سَبِيلًا»: منصوب، تمییز جمله برای شبه جمله: «أهدی» (صافی، ۱۴۱۸، ص. ۱۰۴).  
ترجمه حداد عادل: اما پروردگارتان بهتر می‌داند که چه کسی راه یافته‌تر است.  
ترجمه خرمشاهی: و پروردگارتان داناتر است که چه کسی رهیافته‌تر است.  
ترجمه بهرام‌پور: و پروردگار شما بهتر می‌داند چه کسی راه یافته‌تر است.

### ۹-۱-۱-۳۰- نقد و ارزیابی

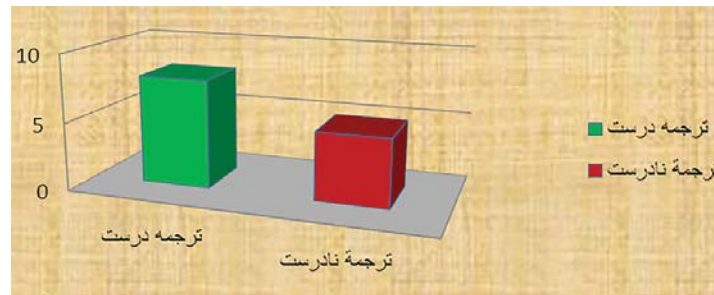
این مثال نیز همانند مثال قبلی است و از آنجا که عنصر مبهم یعنی شبه فعل «أهدی» دارای مفهوم فعلی است بهتر آن بود که تمییز در این آیه به روش تفکیک نحوی - معنایی تمییز و عنصر مبهم ترجمه می‌شد تا دارای تعادل نحوی، بلاغی و معنایی شود.

اما اگر بخواهیم این ترجمه را به روش لفظ به لفظ ترجمه نماییم، چنین ترجمه‌ای به دست خواهد آمد: «هدایت کننده‌تر است از نظر راه» و چون چنین ساختاری در زبان فارسی مشابهی ندارد؛ لذا ساختار ادغام‌شده تمییز «سَبِيلًا» با عنصر مبهم «أهدی» به عنوان ترجمه معادل برگزیده شده است؛ از این رو ترجمه بهتر نیز در این آیه شریفه، همان ترجمه حداد عادل است.



جدول (۱): توزیع فراوانی و درصد نمونه‌های تمییز نسبت منقول (محول) در سوره‌های مریم (س) و اسراء

نمونه‌های نادرست	نمونه‌های درست	کلی نمونه‌های به کار رفته	آیات
۶	۸	۱۴	فراوانی نمونه‌ها
۴۲/۸۶ درصد	۵۷/۸۴ درصد	۱۰۰ درصد	درصد



نمودار (۱): توزیع فراوانی و درصد نمونه‌های تمییز نسبت منقول (محول) در سوره‌های مریم (س) و اسراء

### ۹-۱-۲- تمییز نسبت غیر منقول (غیر محوّل)

در این نوع تمییز چیزی نقل داده نشده است (شرتونی، ۱۴۲۰ ق، ص. ۲۶۰)؛ مانند: «وَكَفَى بِاللَّهِ وَكَيْلًا» (النساء/ ۱۳۲)؛ در این مثال تمییز (وکیلاً) از چیزی نقل داده نشده است اگر تمییز نسبت غیر منقول باشد، جرّ آن به «من» و نصب آن جایز است؛ (همان، ص ۲۶۰) مانند: «لِلَّهِ ذُرَّهُ فَارِسًا»؛ در این مثال «فارِسًا» تمییز نسبت یا جمله و غیر منقول بوده که نصب آن (فارِسًا) و جرّ آن (فارس) به «من» جایز است. در این بخش از مقاله با نظر به اینکه تمام تمییزهای غیر منقول در دو سوره (مریم اسراء) به فعل ماضی «کفی» و تمییزهای مختلف آن مربوط می‌شوند، به خاطر پرهیز از تکرار مکررات، ۳ مورد از مجموع کلی ۵ مورد تمییز غیر منقول، در این دو سوره از حیث مشکلات نحوی و ساختاری ترجمه با محوریت ترجمه حدّاد عادل مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد:

### ۹-۱-۲-۱- «كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (اسراء/ ۹۶)

«شَهِيدًا» تمییز نسبت و منصوب برای عامل مبهم «کفی» و یا حال مفرد و منصوب است و «اللّه» در محلّ رفع فاعل «کفی» است (صافی، ۱۴۱۸، ص. ۴۴۱).

ترجمه حدّاد عادل: بگو، میان من و شما این بس که خدا گواه باشد.

ترجمه مکارم شیرازی: بگو: همین کافی است که خداوند، میان من و شما گواه باشد.

ترجمه فولادوند: بگو: میان من و شما، گواه بودن خدا کافی است.

ترجمه پیشنهادی: میان من و شما، پروردگارت برای گواهی بس است.

### ۹-۱-۲-۲- نقد و ارزیابی

تمییز پس از فعل «کفی» غالباً به صورت متمم قیدی ترجمه می‌شود. در این آیه شریفه، حدّاد عادل و مکارم



شیرازی، تمییز را بدون توجه به ساختار نحوی آن، به صورت مسند ترجمه کرده‌اند، در حالی که تمییز با مسند هم از نظر ساختار نحوی و هم از نظر ساختار بلاغی متفاوت است. نادیده گرفتن ترجمه تمییز و آوردن ترجمه مسندی سبب شده است تا ارزش بلاغی تمییز در چنین ترجمه‌هایی مغفول بماند. در این ترجمه، اگرچه معنای تمییز به نوعی به زبان مقصد منتقل شده است؛ اما ساختار نحوی «کَفَى» به عنوان فعل و «اللَّهُ» به عنوان فاعل و «شَهِدًا» به عنوان تمییز نادیده گرفته شده است؛ زیرا در این ترجمه انگار که جمله «خدا گواه باشد» ابهام را از عنصر مبهم «کَفَى» برداشته است؛ یعنی عبارت: «خدا گواه باشد» مسندالیه برای مسند «کَفَى» تلقی شده است. در حالی که در این شریفه، بِاللَّهِ مسند فعل «کَفَى» بوده و «شَهِدًا» تمییز و از بین برنده ابهام در جمله است؛ از این رو، بدیهی است که ترجمه تمییز به صورت فعلی را نمی‌توان معادلی دقیق برای تمییز زبان مبدأ دانست. ترجمه فولادوند هم چندان تفاوتی با دو ترجمه پیشین ندارد؛ زیرا فولادوند نیز ساختار نحوی - تمییز را نادیده گرفته و آن را مصدر و مسندالیه قرار داده است، نه متمم قیدی؛ اما از نظر معنایی، حداد عادل بهتر توانسته است معنای تمییز را به زبان مقصد منتقل کند.

#### ۹-۱-۲-۳- «کَفَى بِرَبِّكَ وَكَيْلًا» (اسراء/۶۵)

«وَكَيْلًا» منصوب، تمییز نسبت برای فعل ماضی «کَفَى» و یا حال مفرد و منصوب است و «رَبِّ» در محل رفع فاعل «کَفَى» است.

ترجمه حداد عادل: این بس که پروردگار تو کارساز باشد.

ترجمه فولادوند: و حمایتگری [چون] پروردگارت بس است.

ترجمه خرمشاهی: و پروردگارت کارسازی را بسنده است.

ترجمه پیشنهادی: میان من و شما، پروردگارت برای گواه بودن بس است.

#### ۹-۱-۲-۴- نقد و ارزیابی

از نظر معنایی تمامی مترجمان، معنای تمییز را به زبان مقصد منتقل کرده‌اند؛ اما از نظر ساختار نحوی، ترجمه حداد عادل بهتر از دیگر مترجمان به نظر می‌رسد؛ زیرا اگر معنای جمله را در ذهن بررسی کنیم، تمییز دقیقاً معادلی برای متمم قیدی در جمله است. فولادوند، تمییز را بر اساس اصل محول بودن تمییز ترجمه کرده است؛ یعنی «وَكَيْلًا» را در نقش فاعلی یا مسندالیه ترجمه کرده، در حالی که «رَبِّ» فاعل جمله است نه «وَكَيْلًا». خرمشاهی نیز، هرچند «وَكَيْلًا» را تمییز تلقی کرده است؛ اما آن را در نقش مفعول به برای فعل «کَفَى» ترجمه کرده است، در حالی که مفعول به با تمییز «هم» از نظر ساختار نحوی و هم ساختار بلاغی و هم معنایی متفاوت است. تمییز کامل کننده معنای یک عنصر نحوی است؛ اما مفعول به معنای مستقل دارد و وجودش در جمله منوط به چیزی نیست. علاوه بر آن حذف مفعول به برخلاف تمییز باعث بدساخت شدن جمله می‌شود؛ بنابراین در چنین جمله‌ای ارزش بلاغی تمییز مغفول خواهد ماند.» (مقیاسی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۱۳).

#### ۹-۱-۲-۵- «کَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» (اسراء/۱۴)

«حَسِيبًا» منصوب، تمییز نسبت برای فعل ماضی «کَفَى» و یا حال مفرد و منصوب است و «نَفْسِ» در محل رفع فاعل «کَفَى» است.

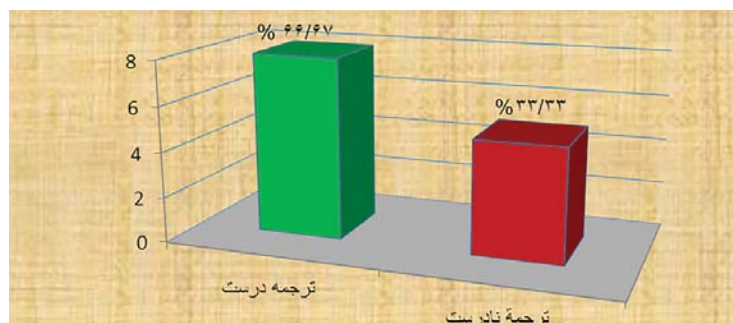
ترجمه حداد عادل: امروز این بس که تو خود حسابرس خود باشی.  
 ترجمه بهرام پور: کافی است که امروز خود حسابرس خویش باشی.  
 ترجمه خرمشاهی: که امروز حسابگری خود تو برای خودت کافی است.  
 ترجمه پیشنهادی: امروز، خود تو برای حسابرسی خویش کافی هستی.

### ۹-۱-۲-۶- نقد و ارزیابی

در دو ترجمه نخست، اگرچه معنای تمییز به نوعی به زبان مقصد منتقل شده است؛ اما ساختار نحوی «کفی» به عنوان فعل و «بنفسک» به عنوان فاعل و «حسیباً» به عنوان تمییز نادیده گرفته شده است؛ تا جایی که در جمله اول، مانند این است که کلی جمله (تو خود حسابرس خود باشی) تمییز برای فعل «کفی» (بس است) شده است و ابهام را از فعل «کفی» برداشته است؛ یعنی عبارت: «تو خود حسابرس خود باشی» مسندالیه برای مسند «کفی» تلقی شده است. در حالی که آیه شریفه، «بنفسک» مسند فعل «کفی» بوده و «حسیباً» تمییز و از بین برنده ابهام در جمله است. لذا بدیهی است که ترجمه تمییز به صورت فعلی را نمی توان معادلی دقیق برای تمییز در زبان مبدأ دانست. خرمشاهی تمییز را بر اساس اصل محول بودن تمییز به صورت فاعل ترجمه کرده است که معادل ساختاری دقیقی برای تمییز در زبان مقصد نیست.

جدول (۲): توزیع فراوانی و درصد نمونه های تمییز نسبت غیر منقول (غیر محول) در سوره های مریم (س) و اسراء

آیات	کلی نمونه های به کاررفته	نمونه های درست	نمونه های نادرست
فراوانی نمونه ها	۳	۲	۱
درصد	۱۰۰ درصد	۶۶/۶۷ درصد	۳۳/۳۳ درصد



نمودار (۲): توزیع فراوانی و درصد نمونه های تمییز نسبت غیر منقول (غیر محول) در سوره های مریم (س) و اسراء

### ۹-۲- تمییز ذات (مفرد) و ترجمه آن

تمییز مفرد در علم نحو انواع مختلفی دارد ولی عمده تمییز مفرد مربوط به تمییز اعداد است و از انواع تمییز مفرد بسیار کمتر به کار می رود. تمییز مفرد در ترجمه مشکل نحوی ندارد و به آسانی قابل

ترجمه به فارسی است (قلی‌زاده، ۱۳۸۰، ص. ۷۰) در این پژوهش، تمامی تمیزهای مفرد موجود در دو سوره (مریم و اسراء) را نقد و بررسی کرده‌ایم.

### ۹-۲-۱- «وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ» (مریم/۷۴)

«مَنْ قَرْنٍ» جار و مجرور، تمیز مفرد برای «کَمَّ» (عدد مبهم)

ترجمه حداد عادل: و پیش از آن‌ها، چه بسیار مردم را هلاک کرده‌ایم.

ترجمه فولادوند: و چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان نابود کردیم.

ترجمه بهرام‌پور: و چه بسیار اقوامی را پیش از آن‌ها نابود کردیم.

### ۹-۲-۲- نقد و ارزیابی

«کَمَّ» و «کَیْنِ» از ادواتی هستند که به وسیله آن‌ها از «عدد بسیار» سؤال می‌شود و بر تکثیر و افتخار نیز دلالت دارند (انصاری، بی‌تا، ص. ۵۴۶) در زبان فارسی قید تعجب هم نامیده می‌شوند (طیبیان، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۵) تمام تمیزهایی که پس از این الفاظ می‌آید، تمیز غیر صریح یا «تمیز کنایات» نام دارند که در زبان فارسی نیز، همه‌جا به یک صورت و با عباراتی نظیر «چه بسیار» و «چه بسا» و مانند آن ترجمه می‌شوند؛ که البته همه ترجمه‌های موجود را به همین شکل ترجمه کرده‌اند. با تأمل در ترجمه‌های فارسی هر سه مترجم محترم درمی‌یابیم که هر سه مترجم با ترجمه «کم» و تمیز آن به صورت قید تعجب، ترجمه‌ای معادل به مخاطب زبان فارسی ارائه کرده‌اند. هر سه مترجم نیز، «کَمَّ» را به صورت خبری و «چه بسیار» ترجمه کرده‌اند.

### ۹-۲-۳- «وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ» (مریم/۹۸)

«مَنْ قَرْنٍ» جار و مجرور، تمیز مفرد برای «کَمَّ» (عدد مبهم)

ترجمه حداد عادل: و چه بسیار مردم که پیش از اینان هلاکشان کرده‌ایم.

ترجمه خرمشاهی: و چه بسیار پیش از آنان نسل‌هایی را برانداختیم.

مکارم شیرازی: چه بسیار اقوام (بی‌ایمان و گنه‌کاری) را که پیش از آنان هلاک کردیم.

ترجمه پیشنهادی: و چه بسیار قرن‌هایی (نسل‌هایی) که پیش از آنان نابود ساختیم.

### ۹-۲-۴- «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ» (اسراء/۱۰۱).

«آيَاتٍ» منصوب، تمیز مفرد برای عدد «تِسْعَ» (درویش، ۱۴۱۸، ص. ۱۰۲).

ترجمه حداد عادل: ما به موسی نه نشانه روشن عطا کردیم.

ترجمه خرمشاهی: ما به موسی نه معجزه روشن دادیم.

ترجمه بهرام‌پور: و همانا ما به موسی نه معجزه آشکار دادیم.

### ۹-۲-۵- نقد و ارزیابی

هیچ مشکلی در ترجمه تمیز عدد به ویژه تمیز عدد صریح وجود ندارد تا جایی که در این سه ترجمه، مترجمان محترم تمیز را به درستی ترجمه کرده‌اند. البته ترجمه حداد رساتر است (ما به موسی نه نشانه روشن عطا کردیم) (حداد عادل).

### ۹-۲-۶- «وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ» (اسراء/۱۷).

«مِنَ الْقُرُونِ» جار و مجرور، تمیز مفرد برای «کَمَّ» (عدد مبهم)

ترجمه حدّاد عادل: چه بسیار نسل‌ها که پس از نوح، نابودشان کرده‌ایم. ترجمه مکارم شیرازی: چه بسیار مردمی که در قرون بعد از نوح، زندگی می‌کردند؛ (و طبق همین سنت)، آن‌ها را هلاک کردیم.

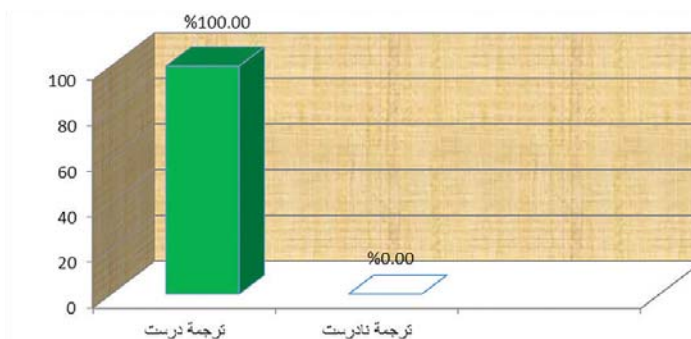
ترجمه فولادوند: و چه بسیار نسل‌ها را که ما پس از نوح به هلاکت رساندیم.

### ۹-۲-۷- نقد و ارزیابی

تمامی مترجمان، «ک» خبری را که مفید تکثیر است به صورت (چه بسیار) ترجمه کرده‌اند که این ترجمه از تمییز، دقیقاً از لحاظ ساختار نحوی - معنایی و بلاغی، معادل با زبان فارسی است.

### جدول (۳): توزیع فراوانی و درصد نمونه‌های تمییز مفرد (ذات) در سوره‌های مریم (س) و اسراء

آیات	کلی نمونه‌های به کار رفته	نمونه‌های درست	نمونه‌های نادرست
فراوانی نمونه‌ها	۴	۴	۰
درصد	۱۰۰ درصد	۱۰۰ درصد	۰/۰ درصد



### نمودار (۳): توزیع فراوانی و درصد نمونه‌های تمییز مفرد (ذات) در سوره‌های مریم (س) و اسراء

#### ۱۰- نتیجه‌گیری

تبادل ساختاری، به‌ویژه در مورد ترجمه قرآن کریم، امری اجتناب‌ناپذیر بوده و ترجمه، آن را نظام‌مندتر و منطقی‌تر می‌سازد. «تمییز» از عناصر نحوی‌ای است که ترجمه آن به سبب فقدان معادل ساختاری در زبان فارسی مشکل است و باید بر مبنای مشابه ساختاری و نه معادل ساختاری، در زبان فارسی معادل‌یابی شود. نتایج حاصل از بررسی ساختاری ترجمه فارسی تمییز، حاکی از توفیق حدّاد عادل در دستیابی به معادل‌هایی دقیق و نزدیک‌تر به صواب برای تمییز در زبان مقصد (ترجمه) است. بررسی‌ها نشان داد که ترجمه ایشان، نسبت به برخی ترجمه‌های معاصر موفق‌تر عمل کرده است تا جایی که ایشان، بیشتر تمییزهای موجود در سوره‌های مریم (س) و اسراء را به‌درستی ترجمه کرده‌اند.

ساختار «تمییز» در ترجمه فارسی حدّاد عادل در دو سوره مریم (س) و اسراء ترجمه‌ای معادل با زبان فارسی است تا جایی که ایشان هر جا ضرورت زبان مقصد (ترجمه) اقتضا کرده است، از اسلوب‌های روشمند

علمی و مطلوب در ترجمه تمییز در زبان مقصد بهره گرفته است. همو، در ترجمه تمییز، هر جا که تمییز برطرف کننده ابهام از عامل کمی همانند (اکثر و اشد و ...) بوده، از روش ترکیب و ادغام نقش تمییز با عنصر مبهم کمی استفاده کرده و بر اساس محور جانشینی کلمات، صفتی ترکیبی و مناسب را جایگزین تمییز و عامل مبهم آن ساخته و بدین ترتیب تلاش کرده است تا تعادل ساختاری تمییز را از نظر معنایی، بلاغی و نحوی با متن مبدأ (قرآن کریم) برقرار سازد. اما هر جا عامل تمییز، فعلی یا کیفی بوده، از روش تفکیک تمییز از عامل مبهم بهره برد تا تعادل نحوی - معنایی آن حفظ شود و به تمییز در ترجمه فارسی، وجهه «متمم قیدی» داده که معمولاً پس از واژه‌هایی از قبیل: «از»، «به»، «برای»، «از نظر»، «از حیث»، «از جهت» و ... آمده است. مترجم محترم در هر جایی که نتوانسته است بر اساس روش ادغام یا تفکیک تمییز با عنصر مبهم به معادلی ساختاری مناسب و صحیح دست نیابد، سعی کرده است تا از روش «واحد ترجمه» استفاده کند و ترجمه‌ای ارائه کند که با ساختارهای زبان مقصد (ترجمه) موافق و یا نزدیک‌تر باشد. با توجه به نتیجه آماری جدول‌ها، میزان توفیق در عملکرد حداد عادل در ترجمه انواع تمییز بر اساس تعداد ترجمه‌های صحیح بدین شرح است:

۱. مترجم محترم، در ترجمه تمییز مفرد یا ذات به میزان ۱۰۰ درصد موفق بوده و این نوع تمییز در رتبه نخست قرار دارد. ۲. پس از آن توفیق مترجم محترم در ترجمه تمییز نسبت غیر منقول با میزان ۶۶/۶۷ درصد، عمده است. ۳. تمییز نسبت منقول (محول) در رتبه سوم است که حدود ۵۳/۸۴ درصد بوده است. در مجموع می‌توان گفت که مترجم در حوزه ترجمه انواع تمییز به‌طور کلی، توفیقی نسبی، بیش از ۷۰ درصد را به دست آورده است. با توجه به مطالبی که گذشت عمده است که عناصر مبهم به دودسته عمده قابل تقسیم هستند. دسته نخست عناصری هستند که تنها مفهوم کمی (مقدار یا شدت و قلت) دارند، مانند «اکثر، اقل، اشد، کثیر، شدید و ...» که مثال آن گذشت. در این مورد معمولاً می‌توان ترجمه بر اساس «ترکیب یا ادغام معنایی - نحوی تمییز با عنصر مبهم» را پیشنهاد کرد. دسته دوم عناصری است که عمدتاً دارای مفهوم کیفی یا فعلی است، مانند «أحسن، أعز، أعلى، أدق، أرحم و ...» مثال: «هو أعز مالا»، «هو أمين تجارة». در این مورد نیز پیشنهاد می‌شود از مناسب‌ترین روش: «ترجمه بر اساس نقش تمییز و تفکیک آن از عنصر مبهم» استفاده شود؛ اما در عین حال، توجه به فصاحت و بلاغت زبان فارسی و دقت و تأمل در فصاحت و بلاغت زبان عربی شرطی نخستین و اساسی است که باید در ترجمه تمییز دیده شود.

## منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۷). ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور، قم: آوای قرآن.  
 قرآن کریم (۱۳۸۷). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).  
 قرآن کریم (۱۳۸۸). ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن کریم.  
 قرآن کریم (۱۳۹۴). ترجمه غلامعلی حداد عادل، مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی علیه السلام.  
 ابن عقیل، (۱۳۸۵ ش). شرح ابن عقیل علی الفیه ابن مالک، مصر: چاپ محمد محیی الدین عبدالحمید.  
 ابن منظور، (۱۴۱۴). لسان العرب، ط ۳، بیروت: دار صادر.



ابن يعيش، (بی تا). شرح المفصل، بیروت: عالم الكتب.  
امریسی، محمدحسن و معروف، یحیی (۱۳۹۴ ش). نقدی بر ترجمه فارسی قرآن کریم حدّاد عادل از منظر ترجمه  
مفهومی، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۲، شماره ۴، صص ۳۲-۱.  
الأنصاری، جمال الدین بن هشام (لاتاً). شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب، تحقیق: محمد محیی الدین  
عبدالحمید، بیروت: دارالفکر.

حسن، عباس (۱۴۲۸). النحوالوافی، ط ۱، بیروت: مکتبة المحمدی.  
حسین خانی، کلقای و حلال خور، کوثر (۱۳۹۴). بررسی ترجمه و معادل ساختاری مفعول مطلق با محوریت  
ترجمه فولادوند (بررسی موردی: سوره نساء)، دو فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و  
ادبیات عربی، سال ۵، شماره ۱۲، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.  
درویش، فضل بن حسن طبرسی (۱۴۱۵). تفسیر مجمع البیان، ط ۲، بیروت: مؤسسة الأعلی للمطبوعات.  
درویش، محیی الدین (۱۴۱۵ ه). إعراب القرآن وبیانه. ط ۴، بیروت: دارالإرشاد للشئون الجامعیة - حمص -  
سوریة، (دارالیمامة - دمشق - بیروت)، (دارابن کثیر - دمشق - بیروت).  
سیبویه، عمرو بن عثمان (۱۳۸۵/۱۹۶۶). کتاب سیبویه، قاهره: چاپ عبدالسلام محمدهارون. چاپ افسس  
بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱.

الشر تونی، رشید (۱۴۲۰). مبادئ العربية قسم النحو. ط ۴، قم: دارالعلم.  
صافی، محمود بن عبد الرحیم (۱۴۱۸ ه). الجدول فی إعراب القرآن الکریم. ط ۴. بیروت: دار الرشید، دمشق -  
مؤسسة الإيمان.

طیبیان، سید حمید (۱۳۸۷ ش)، ترجمه شرح ابن عقیل بر الفیه محمد بن عبدالله بن مالک، ط ۴، تهران:  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
العکبری، أبو البقاء (بی تا)، التبیان فی إعراب القرآن، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: إحياء الكتب العربية.  
فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۰). شاهنامه فردوسی. متن کامل بر اساس چاپ مسکو. به کوشش سعید حمیدیان.  
تهران: قطره.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۷). دستور مختصر تاریخی زبان فارسی. ط ۱. تهران: خاشع.  
قلی زاده، حیدر (۱۳۸۰ ش). مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم. ط ۱. دانشگاه تبریز: مؤسسه تحقیقاتی  
علوم اسلامی - انسانی.

کریمی نیا، مرتضی (۱۳۹۰). انتشار و ترجمه فارسی قرآن کریم به قلم غلامعلی حدّاد عادل. دو فصلنامه  
ترجمان و وحی، سال پانزدهم، شماره ۲۹، قم: حوزه علمیه.  
مبّرّد، محمد بن یزید (۱۳۸۲/۱۹۶۳). المقتضب. بیروت: چاپ محمد عبدالخالق عظیمه.  
معروف، یحیی (۱۳۸۰ ش). فن ترجمه. تهران: سمت.

مقیاسی، حسن و مقدسی نیا، مهدی و عباسی، عالیه (۱۳۹۱ ش). بررسی سازوکارهای مترجمان قرآن در  
ترجمه تمییز. مقاله‌های هفتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی  
با همکاری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، جلد دهم، مقالات ۴۵۰ - ۵۰۰.